

## تأثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر تقلب گزارشگری مالی

بهنام کلامی<sup>۱</sup>، بهروز قربانی<sup>۲\*</sup>

۱. دانش آموخته حسابداری، واحد همدان دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد همدان دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

\*نویسنده مسئول [bghorbani.acc@gmail.com](mailto:bghorbani.acc@gmail.com)

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر تقلب گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ نوع داده کمی و از نظر منطق اجرا قیاسی-استقرایی است. جامعه‌ی آماری پژوهش، ۱۲۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. نرم افزار مورد استفاده ایویوز ۱۰ است. یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که مالکیت نهادی بر تقلب گزارشگری مالی تأثیر معناداری و منفی دارد، مالکیت مدیریتی بر تقلب گزارشگری مالی تأثیر معناداری و مثبت دارد و پاداش مدیریتی بر تقلب گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد مالکیت بالای اعضای هیأت مدیره مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران را به دلیل همسو کردن منافع مدیران و سهامداران، کاهش خواهد داد. به علاوه، مدیرانی که در شرکت تحت مدیریت خود سرمایه گذاری کرده اند، نسبت به سایر مدیران، از تصمیم‌های با ریسک بالا اجتناب می‌کنند.

کلید واژه: پاداش مدیریتی؛ تقلب گزارشگری مالی؛ حاکمیت شرکتی؛ مالکیت مدیریتی؛ مالکیت نهادی.

### ۱. مقدمه

حاکمیت شرکتی به عنوان فرآیند اداره و کنترل یک شرکت تعریف می‌گردد. در سطح وسیع تر سیستم حاکمیت شرکتی ارتباط‌های متعدد بین اجزای مختلف یک سازمان به ویژه مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و دیگر ذی نفعان از جمله کارکنان، تامین کنندگان و مشتریان را مشخص می‌کند. بنابراین از یک سو حقوق گروه‌های مختلف ذی نفعان و از سوی دیگر مسئولیت‌ها و وظایف آنان را مورد توجه قرار می‌دهد. در مبانی نظری حسابداری و مالی عموماً، تئوری نمایندگی به عنوان نقطه شروع توضیح مفهوم نظام راهبری شرکتی استفاده شده است. برخی از مشکلات تئوری نمایندگی عبارتند از: تضاد منافع، عدم تقارن اطلاعاتی بین مالک و مدیر و مشارکت در ریسک. تضاد منافع بدین معنا که مالک که کنترل شرکت را به نماینده خود تفویض می‌کند، انتظار دارد که عملکرد مدیر در جهت منافع مالک باشد. اما مدیر خود منافع شخصی دارد که ممکن است نه تنها همسو با تمایلات مالک نبوده بلکه در تناقض با آنها باشد. از سوی دیگر عدم تقارن اطلاعاتی باعث می‌گردد مالک اطلاعاتی درباره اینکه آیا مدیر وظایف خود را به نحو مطلوب و در جهت منافع شرکت انجام می‌دهد یا نه، نداشته باشد و این امر اثربخشی نظارت بر مدیر را کاهش می‌دهد؛ با اینکه مدیر بخواهد از مزیت اطلاعاتی خود سوء استفاده کند که در این صورت خطر اخلاقی با گزینش نادرست پیش می‌آید. یکی دیگر از مشکلات نمایندگی مشارکت ریسک مالک و مدیریت است که از تفاوت نگرش این دو به مسئله ریسک ناشی می‌شود و بدترین حالت آن زمانی رخ می‌دهد که مالک ریسک‌گریز است اما مدیر خواهان پذیرش ریسک بالاست در نتیجه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد که با تمایلات مالک در تناقض است. به طور کل این گونه می‌توان نتیجه گرفت که وجود قدرت و رای در موقعیت مدیر و همچنین تمایلات شخصی او فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند که دروازه‌ای برای ارتکاب رفتار متقلبانه باز شود. در بر گیرنده مجموعه‌های مختلفی از سازوکارهای فردی و قانونی است که به محافظت از منافع سهامداران شرکت و کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و کنترل کمک می‌کند [1].